

عنوان مقاله:

بررسی مفهوم تکاملی مرگ در اشعار مولانا براساس نظریه استعاره شناختی مدل فرهنگی استعاره زنجیره بزرگ

محل انتشار:

فصلنامه ادبیات عرفانی، دوره 9، شماره 17 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

زهرا عباسی - استادیار گروه آموزش زبان فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

امین خسروی - گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

در نگاه زبان شناسان شناختی، استعاره مفهومی به هرگونه فهم و بیان تصورات انتزاعی در قالب تصورات ملموس اطلاق می شود. در این پژوهش، از میان راهکارهای مختلفی که لیکاف و ترنر در تحلیل استعاره مفهومی استفاده کرده اند، با استفاده از ویژگی سلسله مراتبی مدل استعاره زنجیره بزرگ، به بررسی مفهوم تکامل در اشعار مولانا پرداخته می شود. بررسی اشعار مولانا نشان داد خصوصیت سلسله مراتبی استعاره زنجیره بزرگ که نشان دهنده نوعی تکامل است، در نظام ذهنی مولانا نیز برقرار است. او تکامل انسان را در گذشتن از قالب جمادات و گیاهان و حیوانات و حتی خود انسان و رسیدن به مراتب بالاتر یعنی فرشتگان و قرب الهی بیان می دارد که این دو مرتبه اخیر از نظر زبان شناسان شناختی دور مانده است. مولانا شرط گذشتن و عبور از مراتب پایین تر را مردن و فنا می داند و آن را با نوعی استعاره جهتی یعنی حرکت روبه جلو نشان می دهد که در آن، درک استعاری ویژگی های یک ماهیت در یک سطح، از طریق ویژگی های یک ماهیت در سطح دیگر امکان پذیر است؛ یعنی هر بار با زایشی مجدد روبه رو هستیم. با توجه به ماهیت جهانی جسم انسان و محققا الگوهای جهانی تعاملات فیزیکی ما با جهان، این نوع رابطه در میان فرهنگ های مختلف همچنان تا حدی یکسان عمل می کند، اما جهان بینی و تجربیات مولانا تکاملی افزون تر از نگاه زبان شناسان برای انسان ترسیم کرده است.

کلمات کلیدی:

مولوی، تکامل، مرگ، استعاره مفهومی، استعاره زنجیره بزرگ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/866999>

